

خبر

اصلاح شرایط نابرابر واگذاری کودکان بدسرپرست یابی سرپرست

● **فارس:** انوشیروان محسنی‌بن‌دی، رئیس سازمان بهزیستی کشور، با اشاره به شرایط نابرابر واگذاری کودکان بدسرپرست یا بی‌سرپرست به خانواده‌ها، گفت: در این زمینه برخی از قوانین اصلاح شده که امیدواریم با فرهنگ‌سازی در جامعه شرایطی فراهم شود تا تمایل خانواده‌ها برای نگهداری کودکان بدسرپرست بیشتر شود. وی با اشاره به قوانین و آیین‌نامه‌های واگذاری کودکان و نوزادان به خانواده‌های متقاضی و واجدان شرایط، اظهار کرد: سازمان بهزیستی جز اجرای قوانین کار دیگری را انجام نمی‌دهد و قانون صراحتاً نحوه واگذاری کودکان بی‌سرپرست را مشخص کرده است. این کودکان باید در اسرع وقت و با تأیید صلاحیت خانواده‌ها توسط قوه قضائیه، در اختیار خانواده‌ها قرار گیرند. محسنی‌بن‌دی با اشاره به شرایط واگذاری کودکان بدسرپرست، بیان کرد: ما به لحاظ قانونی نمی‌توانیم این کودکان را به صورت دائم واگذار کنیم، چراکه بررسی‌ها و تجارب سال‌های گذشته نشان می‌دهد چنانچه این امر اتفاق بیفتد، مشکلات زیادی برای خانواده متقاضی کودک و سازمان بهزیستی ایجاد می‌شود. رئیس سازمان بهزیستی کشور در ادامه با اشاره به شرایط جدید واگذاری کودکان به خانواده‌ها، گفت: در این زمینه تلاش می‌شود کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست با شرایطی برابر در اختیار خانواده‌ها قرار گیرند. محسنی‌بن‌دی ادامه داد: سازمان بهزیستی کشور به لحاظ قانونی نمی‌تواند تصمیمی را برای کودکان بدسرپرست و واگذاری آنها به خانواده‌های متقاضی بگیرد و ما نیز در این زمینه ادغان می‌کنیم با شرایط نابرابری درباره واگذاری کودکان بدسرپرست رویه‌رو هستیم. وی با اشاره به تعداد کودکان نگهداری‌شده در شیرخورگاه‌های سازمان بهزیستی در تهران، ادامه داد: هم‌اکنون ۴۰۰ کودک در این مراکز نگهداری می‌شوند که بالغ بر هزارو ۶۰۰ خانواده متقاضی دریافت بچه هستند. محسنی‌بن‌دی با تأکید بر اینکه متأسفانه متقاضی برای نگهداری کودکان بدسرپرست کمتر از کودکان بی‌سرپرست هست، گفت: امیدواریم با ابلاغ آیین‌نامه جدید واگذاری کودکان و همچنین فرهنگ‌سازی در جامعه بتوانیم خانواده‌ها را تشویق و ترغیب برای نگهداری کودکان بدسرپرست کنیم.

شورای شهر خرمشهر رسماًمتحل شد

● **ایسنا:** پیمان کاظمی‌نژاد، مدیرکل امور شهری و شوراهای استانداری خوزستان، گفت: موضوع رای هیات حل اختلاف استان خوزستان مبنی بر انحلال شورای اسلامی شهر خرمشهر به‌طور رسمی از وزارت کشور به استانداری خوزستان ارسال شد. وی گفت: خوزستان با ۲۶ شهر، از پرشره‌ترین استان‌های کشور به شمار می‌رود و تعدد شهرها، رسالت کار را در مجموعه اداره کل امور شهری و شوراهای استانداری خوزستان سنگین می‌کند. ما با ۲۶ شورای شهر و شهردار مواجه هستیم که باید اینها را در چارچوب قوانین و مقررات حاکم بر وزارت کشور هدایت کنیم. کاظمی‌نژاد با بیان اینکه از زمانی که اختیار انتخاب شهرداران به شوراها سپرده شد، وظایف وزارت کشور سرفصل جدیدی پیدا کرده است، ادامه داد: ما برای استقلال رای شوراها ارزش قائل هستیم و تأیه‌حال هیچ‌گونه دخالتی در انتخاب شهرداران یا عزل آنها توسط مجموعه استانداری صورت نگرفته است و همین انتظار را نیز از شوراها داریم که وقتی قانون وظیفه‌ای را بر عهده وزارت کشور و استانداری می‌گذارد، آنها هم این الزامات قانونی را بپذیرند. وی با اشاره به اینکه به رای شورای حل اختلاف مرکزی، شورای اسلامی شهر خرمشهر رسماً منحل شده است، گفت: در اول مهر در جلسه شورای حل‌اختلاف استان موضوع شورای شهر خرمشهر برای بار دوم مطرح شد و با توجه به فرصتی که در جلسه قبل به این شورا داده شده بود، متأسفانه اعضای شورا نتوانستند برابر وظیفه قانونی خودشان انتخاب شهردار را انجام دهند و همین موضوع موجب شد شورای حل اختلاف تشکیل جلسه دهد و چون فرصت اداره امور شهر با سرپرست برای خرمشهر به پایان رسیده بود و با سیری‌شدن حدود پنج ماه اعضا نتوانستند شهردار را انتخاب کنند، این شورا منحل شد. مدیرکل امور شهری و شوراهای استانداری خوزستان افزود: در جلسه ۱۲۵ و ۱۲۶ شورای حل اختلاف مرکزی، انحلال شورای شهر خرمشهر رسیدگی شد و درنتیجه اعضای هیات یادشده با توجه به جمع مستندات مربوطه و نتایج تحقیقات و بررسی‌های بعمل‌آمده، با پنج رای موافق، رای شورای حل اختلاف استان خوزستان را تصویب کردند و به‌این‌ترتیب شورای شهر خرمشهر رسماً منحل شد که در نامه‌ای از سوی دبیرخانه این شورا و وزارت کشور، انحلال شورای شهر خرمشهر ابلاغ شد. وی با بیان اینکه درحال‌حاضر اسنادار خوزستان قائم‌قوام شورای شهر خرمشهر است، افزود: با استاد به قانون، استاندار خوزستان وظایف شورای شهر خرمشهر را برعهده گرفته است و نسبت به انتخاب شهردار اقدام خواهد کرد. در‌حال‌حاضر مشغول انجام مطالعه درباره افراد واجد صلاحیت هستیم که درنهایت استاندار خوزستان نظر نهایی را درباره انتخاب شهردار صادر خواهد کرد.

ادامه از صفحه ۱۶

افشار: باید از خودمان ببرسیم معدودی مثل هرندی به سراسر تهران توزیع شده‌اند؟ بعضی مسائل مثل تغییر الگوی مصرف یا زبانه شدن اعتبار مطرح است. اینها عواملی است اما شما فکر نمی‌کنید برخورد‌های سلبی و رفتن به سمت کلونی‌های شکل‌گرفته هم باعث پخش‌شدن ماجرا شده؟ ارشد: این یکی از دلایل است و بحث ما اشغال است. ۱۷ مهرماه یک مارتان برگزار کردیم و نزدیک ۳۰۰ نفر زن سه کیلومتر را در چهار پارک محله رفتم، وضعیت فاجعه بود آنها می‌گفتند من سه سال پایی داشتم و کار پیدا نکردم و دوباره به چرخه اعتبار برگشتم. پدیده‌های اجتماعی به هم مرتبط هستند، فقط خاک سفید و فرحزاد نیست. نباید عامل را فقط تغییر الگوی مصرف دانست. ما برای بچه‌هایمان چه کردیم؟ برای اوقات فراغت و شادی جوان‌هایمان چه کار کردیم؟ مجبوریم همه این مسائل را با هم ببینیم.

شبنه یک نامه به شهردار این ناحیه نوشتم و از او خواش کردم که این پیاده‌روها را با مواد ضدغرق‌کننده روزانه بشویند و از کسانی که غذا پخش می‌کنند بخواهند تا زباله‌ها و پسماندهای باقی‌مانده از پخش غذا را جمع کنند و ببرند. آن‌قدر آنجا غذا می‌آوردن که اینها دارند انتخاب می‌کنند. شهرداری آمده کارت حمام به اینها داده، برایشان توالت درست کرده، ولی در پشت چادرها بوی مدفوع خف‌ف‌سان می‌کند. اینها به معنادان همه بیماری‌های غفونی و میکروب را انتقال می‌دهند. به معتاد می‌گویم چرا نمی‌روی دستشویی کارت را بکنی؟ می‌گوید اگر از اینجا بروم چادر و اسباب‌ام را می‌زدند. به کسی که غذا می‌دهد می‌گویم این واکنش که به معتاد می‌گویی خواش می‌کنم این غذا را بگیر درست نیست! باید در بزنی و غذایت را بدهی تا هرکسی خواست بردارد. یعنی سیستم تشویق و تنبیه را بلد نیستیم. نمی‌تایم آدمی که برای خودش قدم برمی‌دارد و حاضر است دست‌هایش را بشوید، با آدمی که افتاده در چادر و فقط ارتباط جنسی دارد فرق دارد. چرا ما صفر با صد هستیم؟ یک روز به قول شما اینها را تکتک زدیم حالا امروز وانست می‌آید با روغن ناخ سوسیس و سوسیس‌زمینی می‌آورد، یکی قورمه‌سبزی می‌آورد، یکی قیبه... من امروز با پزشکان بدون‌مرز وارد مذاکره شدم و گفتم تو را به خدا به ما بپاد بدهید من چند بیمار زن دارم که چرت می‌زنند و می‌افتند توی آتش و می‌سوزند. اگر آن طرف دنیا این بیماران را نگه می‌دارند در یک جا، این‌طوری نگه می‌دارند؟

افشار: شما ناراحت و متاثر هستید اما من بسیار خوشحال شدم. ما با وجود این برخورد‌های سلبی نامناسب، به این نقطه رسیدیم‌که همه می‌خواهند کمک کنند. این اتفاق نشان‌دهنده این است که ما به این دهموز و بلوغ رسیدیم‌که ظرفیت مشارکت‌ها بالا رفته است. شما آخرین مدرسه‌ساز و مسجدساز دارید. اما چرا مردم ما در این زمینه هم کمک می‌کنند؟ چون احساس می‌کنند این درد یک هزینه کمرشکن است. ما خیلی تلاش کردیم تا بگوییم هزینه کمرشکن‌تر از هزینه خانواده یک معناد و خود نیست.

دانشور: مسئله مجاورت هرندی با بازار، پیچیدگی آسیب‌ها را بیشتر کرده است. فقر، فحشا، کودک‌کار و آواشگری... همه اینها به علت مجاورت با بازار است که اقتصاد غیررسمی‌ای را برای عده‌ای خاص شکل داده است؛ اوپاشی که به‌نوعی از این اقتصاد مواظبت می‌کنند. نیرویی در حال کمک‌کردن است که این پدیده اینجا باقی بماند. ما در کمیته اجتماعی شورای شهر بعضا بازرس را می‌برسم که با اینها صحبت کند. بازرس می‌بیند اکثر اینها کلاترسی را با دوربین‌های داخل خانه‌شان چک می‌کنند. بازار هم در حال جذب کارگران مهاجر کم‌هزینه است. آنجا هم به خاطر نوع بافتی که هست، خانه‌ها را ارزان‌تر و راحت‌تر در اختیار می‌گیرند. خود کارگران فصلی با کارگران مهاجر یک‌سری نیازهایی دارند و نیازهای جنسی‌شان را از طریق روسپی‌های منطقه تأمین می‌کنند و چون ارزان هستند، شما می‌بینید نرخ روسپیگری به‌شدت پایین آمده است. انباشتی مشکلات به دلیل برنامه‌ریزی‌هایی است که در برنامه‌های مختلف بوده و اجرا نشده و مغفول مانده است. درعین‌حال، چون فعال‌های اجتماعی را درگیر سیاست‌گذاری نمی‌کنند، مشکلات وارد عرصه‌های واقعی نمی‌شود و آنها هم در انزوا می‌مانند. درعین‌حال، به دلیل سیاست دولت‌ها در هر دوره‌ای گروه‌های مردمی، منبسط‌ومنتبض شده‌اند. از سوی دیگر، تمام کلان‌شهرها که تهران هم یکی از آنهاست، در معرض مهاجرت و خیلی از آسیب‌هایی هستند که پدیده‌هایی مثل تن‌فروشی و کودک‌کار در آن رشد می‌کند. کشور همسایه ما هم که تولیدکننده مواد مخدر است و بنابراین آن‌قدر که این آسیب وجود داشته، ما به سیاست‌گذاری نپرداختیم و مطالعات جامع هم صورت ندادیم. در نتیجه این مشکلات است که با سعی و خطا و احساس پیش می‌رویم و مثلاً آن‌قدر برای معتاد غذا می‌آورند که انتخاب می‌کند. یعنی مطالعه نداریم و عده‌ای براساس احساس‌اشنان تصمیم منطقی نگرفتند و اقدامات اثروگذار نیست.

خلائی که در مداخلات مردمی داریم اقدامات بی مطالعه مردمی است. متأسفانه در کارمان فکر نمی‌کنیم و این توزیع غذا یکی از این کارهاست. مردم نباید با شتاب‌زدگی و بدون مطالعه اقدام کنند باید این اقدامات خود را در اختیار گروه‌های مردمی که اطلاع بیشتری دارند، بگذارند.

جامعه

دروازه غار؛ زه‌کشی محلات آسیب‌دیده تهران



عکس: ژنوفه رستنی، شرق

افشار: یعنی حرکت ساماندهی‌شده باشد. گروهی دارو دهنه، یک گروه غذا دهد و یکی دیگر کار درمانی کند. دانشور: خلا بزرگ دیگر مددکاری اجتماعی است. از آنجایی که سیاست‌های اجتماعی‌مان از ضعف بالایی برخوردار است. قوانین مربوط به مسائل اجتماعی‌مان در مجلس ضعف دارد. مددکاران ما صاحب اختیار و متخصص نیستند. در خارج از کشور ارائه کارت مددکار کمتر از سطح یک قاضی نیست در صورتی‌که در کشور ما با این همه دامنه آسیب، ما برای‌های غفونی و میکروب را انتقال می‌دهند. به معتاد می‌گویم چرا نمی‌روی دستشویی کارت را بکنی؟ می‌گوید اگر از اینجا بروم چادر و اسباب‌ام را می‌زدند. به کسی که غذا می‌دهد می‌گویم این واکنش که به معتاد می‌گویی خواش می‌کنم این غذا را بگیر درست نیست! باید در بزنی و غذایت را بدهی تا هرکسی خواست بردارد. یعنی سیستم تشویق و تنبیه را بلد نیستیم. نمی‌تایم آدمی که برای خودش قدم برمی‌دارد و حاضر است دست‌هایش را بشوید، با آدمی که افتاده در چادر و فقط ارتباط جنسی دارد فرق دارد. چرا ما صفر با صد هستیم؟ یک روز به قول شما اینها را تکتک زدیم حالا امروز وانست می‌آید با روغن ناخ سوسیس و سوسیس‌زمینی می‌آورد، یکی قورمه‌سبزی می‌آورد، یکی قیبه... من امروز با پزشکان بدون‌مرز وارد مذاکره شدم و گفتم تو را به خدا به ما بپاد بدهید من چند بیمار زن دارم که چرت می‌زنند و می‌افتند توی آتش و می‌سوزند. اگر آن طرف دنیا این بیماران را نگه می‌دارند در یک جا، این‌طوری نگه می‌دارند؟

دبلمی‌زاده: بایید لایه‌ها را از بالاتر نگاه کنیم. آقای افشار، چند میلیارد تومان هزینه کاهش آسیب است. به سازمان‌های غیردولتی پول می‌دهید تا سرنگ و سوزن دهیم. شما پول سرنگ را می‌دهید، اما آیا فکر کرده‌اید کجا تزریق کند؟ یعنی خود شما مداخله کرده‌اید، سرنگ می‌دهید و می‌دانید معتاد مکانی برای اقامت و زندگی ندارد. بایید کمی خودمان را نقد کنیم. نمودار عملکرد ما نوسان دارد اما نشان‌دهنده اتفاقی دیگر هم هست و نشان می‌دهد کار ما سخت است و نمی‌شود برای ایران فرمول کشور پرتغال را به‌عنوان یکی از مدل‌های موفق مدیریت مصرف تجویز کرد.

ما با هر دو طرف موافقیم اما به شرطی که یک رویه داشته باشد. این سیاست دوگانه در حوزه مصرف و کاهش آسیب، ما را دچار آسیب کرده، یعنی سیستم انتظامی و تفکری که می‌گوید همه اینها را جمع کنیم و ببریم را نقد می‌کنیم و می‌گوییم غلط است. آنها هم می‌گویند نمی‌شود سرنگ بدهید و او مصرف کند، خوب، موادش را از کجا تأمین کند و کجا مصرف کند؟ اینها معضل است. تا این بارادوکس در تصمیم‌گیری حل نشود، مشکل ما همچنان ادامه دارد. در شرایط فعلی کسی جلوتر حرکت نمی‌کند چون متشدد زیادی دارد. کسی جرئت زیادی نمی‌کند بگوید به آنها مکمل و

ساختمان، سرنگ و مواد دهیم تا آنها حداقل وارد جامعه نشوند. ما با یک پدیده مواجهیم و باید آن را ببیزیم و مدیریتش کنیم. مثال می‌زنم: خرج هر معتاد کارتن‌خواب برای هر دستگاہی ماهی یک میلیون تومان است. این معتاد یک خانواده دارد، خانواده‌اش فقیرند، ما اگر به این خانواده فقیر ماهی ۲۰۰ هزار تومان بدهیم و بگوییم معتادت را در خانه نگه دار بگذار در خانه تزریق کند، ۸۰۰ هزار تومان را هم از آن یک میلیون تومان ذخیره می‌کنیم. چند درصد از خانواده‌های این معتادان کارتن‌خواب حاضر هستند معتادشان را در خانه نگه دارند اما یارانه بیشتری بگیرند؟ من به شما می‌گویم هر مداخله‌ای که در تهران شروع کنیم، به شما قول می‌دهم ۲۰ تا ۳۰ درصد اینها به شهرهای دیگر کوچ خواهند کرد، یعنی اگر همین الان شروع به بگرویند و مداخله کنیم همه کوچ خواهند کرد؟

افشار: نگاه این یا آن، مشکل ما را حل نمی‌کند. من می‌گویم اگر شرایط اجرای ماده ۱۵ و فضای فیزیکی فراهم شود، این بحران قابل کنترل است. من هم معتقدم هر معتاد حداقل روزی ۲۰ هزار تومان هزینه دارد. با فضای فیزیکی به یک میلیون شما نزدیک می‌شویم. شما می‌گویید ۱۵ هزار معتاد خیابانی در تهران وجود دارد. حساب بکنید در طول سال چقدر هزینه دارند. اگر خوش‌بینانه در نظر بگیریم ۱۲۰ میلیارد تومان در سال هزینه دارد و مجموعه اعتباراتی که ما برای درمان معتادان داریم بخش دیگری است و برای همین می‌گویم این کار صرفاً حکمیتی نیست و مردم باید پای کار باشند و همه اجزا کنار قصه باشند. اگر این شرایط فراهم بشود خیلی آسان‌تر از ساماندهی مددیار و مددکار و پیداکردن خانواده آنهاست.

دبلمی‌زاده: پیش‌نیاز این کار این است که صدای حاکمیت واحد باشد. متأسفانه در دولت و مجلس و در مجموع سیاست‌گذاری‌مان صدای واحدی درباره این رویکرد نمی‌شنویم. ستاد مبارزه با مواد مخدر، مجلس و دیگران هرکدام نگاه خودشان را دارند. آیا وقت آن نرسیده که حاکمیت بنشیند و یک صدای واحد بدهد و بگوید سیاست واحد ما به‌صورت واحد این‌گونه است و

بازرگانی بردم و این مسئله یک کمیسیون شد. کمیسیون مسئولیت اجتماعی اتاق بازرگانی پنج سال عمر دارد و کار می‌کند. اوایل همه می‌گفتند مسئولیت اجتماعی کار بهزیستی و سازمان تأمین اجتماعی است. ما با آنها صحبت کردیم تا جا بیندازیم که بنگاه اقتصادی هم باید پیوسته باشد.

افشار: آنهاایی که جرم می‌کنند، آنهاایی که با وجود نرم اجتماعی و با وجود فراهم‌بودن شرایط برای جلوگیری از خرده‌جرایم باز هم بزه انجام می‌دهند باید به ماده ۱۶ سپرد. آسیب‌دیده اجتماعی برای دو منظور جرم انجام می‌دهد؛ یکی برای تهیه قوت‌لایموت و یکی هم برای مصرفش. پس اگر این دو فراهم شد مجدداً جرم انجام داد او مستحق برخورد‌های دیگری است. تازه قبل از

ماده ۱۶ یک دادگاه درمان مدار داریم. **هوشیار:** شهرداری تهران به‌عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی مسئولیت حاکمیتی مداخله در این سطح را ندارد. باید چند زیرساخت آماده کند و به نهادهای مسئول بدهد. اما با نگاهی که نمایندگان مردم دارند و شخص شهردار نسبت به اینکه ما مدیر این شهریم و باید وارد شویم از صفر تا صد وارد شده‌ایم. خانه‌های هرندی پلاک به پلاک بررسی شده‌اند، ۷۰۰ پلاک قرمز شناسایی شده. ما در بازبینی سه پلاک مشخص کرده‌ایم، پلاک‌های سبز که می‌توانند در بازبینی و شناسایی به شما کمک کنند. پلاک‌های زرد که در معرض آسیب هستند و پلاک‌های قرمز که آسیب‌دیده‌اند. دلیل حضور کارتن‌خواب‌ها در هرندی همین حضور ۷۰۰ پلاک قرمز است. این پلاک‌ها اعم از خانه‌های مجردی، فروش مواد، آشپزخانه‌ها شناسایی شده و یک سند اقدام هفت‌خوشه‌ای تهیه شده و نیازمند ارائه این سند هستیم. ما به این نقطه رسیده‌ایم که مداخله در این مسئله یک بودجه ۱۲۰میلیاردی می‌خواهد که ما نداریم و قطعاً به مداخله مردمی این بودجه را می‌توان تأمین کرد. همه‌جای دنیا این معضلات را دارند. اما چرا هرندی؟ مطابق گزارش آقای افشار ۴۰ کلونی آسیب وجود دارد که حداقل پنج‌تا از آنها مکمل هرندی است. ما معتقدیم هرندی زه‌کش آسیب‌های اجتماعی شهر است، ۶۰ درصد کارتن‌خواب‌های تهران از روستاها و شهرهای زیر صدهزار نفر آمده‌اند. ما اعلام می‌کنیم که سند هرندی در هشت خوشه ارائه شده و منظر تصویب شد. ما به عنوان نماینده بخش خصوصی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی در ایران سند را به نقد رسانه‌های عمومی بگذاریم و نظرات را دریافت کنیم.

خبر

مرثیه‌ای برای سلطان صخره‌های زاگرس

«اشکار» دوباره شکار شد

● **مهر:** هنوز چند هفته‌ای از شکار بز کوهی در دامنه‌های اشترانکوه نمی‌گذرد که این‌بار شهرستان دورود شاهد ازبای‌درآمدن سلطان صخره‌های زاگرس بود تا طبیعت لرستان مرثیه‌ای برای «اشکار» سر دهد.کل و بز کوهی که در اصطلاح محلی لرستانی‌ها از آن با عنوان «اشکار» یاد می‌شود این‌روزها حال‌روز خوشی ندارد و هرروز خبر شکار آن از جای‌جای طبیعت بکر این دیار به گوش می‌رسد تا نگرانی دوستاندار محیط‌زیست دوچندان نشود.همین دو هفته قبل بود که خبر شکار بز کوهی در الیگودرز، دل فعالان محیط‌زیست را خون کرد تا در کمتر از ۱۴ روز ردبای شکارچیان به کمی آن‌طرف‌تر یعنی در شهرستان دورود برسد. وضعیت شکار کل و بز کوهی به‌گونه‌ای است که رد اسلحه شکارچیان این گونه در جای‌جای استان ثبت و گزارش شده است.امیرحسین ذلقی، رئیس اداره محیط‌زیست دورود، در این رابطه اظهار کرد: به‌دنبال کسب اطلاعاتی مبنی‌بر انجام شکار غیرمجاز توسط یکی از اهالی روستای شهرستان دورود، نیروهای یگان محیط‌زیست به تحقیق در این زمینه پرداختند.وی با بیان اینکه مأموران در جریان تحقیقات خود منزل فرد مظنون را شناسایی کردند و پس از اطمینان از بروز تخلف در هماهنگی با دادستان و اخذ نایب قضائی به صورت غافلگیرانه وارد خانه مربوطه شدند، گفت: در این راستا دو رأس کل و بز از این متخلف کشف و ضبط شد و با تشکیل پرونده قضائی، شکارچی متخلف به دادسرا معرفی شد. وی گفت: براساس ماده ۱۸ قانون شکار و صید سازمان محیط‌زیست از حیث مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم برحسب مورد شاکی با مدعی خصوصی شاخته می‌شود. درحال‌حاضر جرمیه هر رأس کل و بز صدمیلیون ریال است.ذلقی با تأکید بر اینکه با توجه به تخریب زیستگاه‌های این گونه در اکثر مناطق و حضور دامداران و شکار بی‌رویه، جمعیت این گونه بسیار آسیب‌پذیر و پائین‌تر از حد جمعیت پایدار است، گفت: ادامه این روند باعث انقراض این گونه در منطقه خواهد شد. وی گفت: به افرادی که اقدام به شکار غیرمجاز می‌کنند نیز هشدار می‌دهیم که به‌طور جدی از این اقدام خودداری کنند چراکه در صورت مشاهده هرگونه تخلف زیست‌محیطی با آنها برخورد شدیدی می‌شود.



مینی‌بوس‌های تهران می‌توانند کمک شایانی به کاهش آلودگی هوای شهرمان کنند، چرا که جزء مهمی از ناوگان حمل‌ونقل همگانی‌اند؛ اما، فرسودگی‌شان باعث‌شده که مسئول ۶ درصد از ذرات معلق خودروهای شهر باشند. بادکنک سیاه نمادی است از آلودگی معلق در آسمان تهران. جانشین کردن ۱۲۰۰ مینی‌بوس فرسوده تهران طرحی است که از سال ۸۳ تا به حال لنگ بوده‌های مانده که می‌توانست با هزینه ساخت ۴ ستون از ۱۲۰ستون طبقه دوم صدر تأمین گردد. توسعه و بهبود حمل‌ونقل همگانی و دعوت به کاهش استفاده از خودروی شخصی از راه‌های ضروری برای پاک‌تر شدن هوای تهران است.

